درست آنالیز کردن را یاد بگیریم

پروســـه نخ دادن و نخ گرفتن یک مقوله پیچیده است. اینکه چطوری بفهمانید به کسی که از او خوشتان آمده و فرد چطور رفتارهای شما را آنالیز کند تا متوجه این موضوع شـــود. توی مقوله متوجه شدن و نخ گرفتن افراد متفاو تند. بعضی از افراد هستن که نخ خیاطی طرف را هم می‌گیرند و بعضی‌ها طناب بوکسل کردن کامیون را هم بندازی جلو دستشان شیر فهم نمی شوند.

سر بحث من با کسانی است که نخ تولید نشده را هم می‌گیرند که در این متن آنها را «نخولیا» می نامم! یعنی طرف پس کله اش میخارد، خبط می کند و دستش را بلند می‌کند سرش را می خاراند. نخولیای عزیز داد می زند « دیدی،دیدی، دستش را به سمت من بلند کرد و سرش را خاراند! این عاشق منه» لیا در بحث جزوه دادن و گرفتن اســـت! این افراد به طرز مشکوکی جزوه‌هایشان خوش خط و مرتب است، حالا کافی‌است یک بخت برگشته ای که ســـه بار این درس را با ذلت پاس کرده از اینها جزوه بخواهد، خیلی لطف کنند که جزوه را نکوبند توی سرش که « خودت خواهر مادر نداری؟ جزوۀ اونا رو بگیر» یعنی در دانشـــگاههای ما عبارت « جزوه تون رو می‌تونم داشته باشم؟» با جمله « با من ازدواج می کنید؟ آدرس خونه تون رو می تونم داشته باشم؟ چقدر شما خوشگلین» همسانی می کند!

البته سرمنشأ ایجاد این نخولیا افرادی هستند که با پیس پیس کردن علاقه خود را بروز می دادند و حالا باعث شده‌اند هر صدایی از هر کجای فرد ساطع شود نشانه ابراز عشق باشد!

بعد من در دوســـتان خود کسی را دارم، رفته بود کلاس زبان، استادشان به تازگی با عشق جوانی اش نامزد کرده اســـت. وقتی وارد کلاس شده بود استاد با نهایت انسان دوستی گفته بود « خانوم فلان شده، اونجا نشینید سرده»

دوست ما کل ترم چشمهایش قلب شده بود که این من رو میخواد و پاسخم می گوید به زبانی که نگاه من و اوست! خب کاش همانجا می ماندی سطل جم می‌شدی، یرقان می شد می‌افتاد به جانت اصلا!

این وضع به حدی در بین بعضی‌ها وخیم است که می‌بینم دختره می گوید « وقتی سرایداره به من نگاه کرد فلانی غیرتی شـــد غضب کرد!عاشق منه» یا پسره می‌گوید « لبخندش به جوک من یه جور دیگه ای بود، عاشـــق منه « البته این بسط و فهم‌ها اگر ریشه واقعی داشته باشد از تیزهوشی فرد است، مشکل اینجاست که ریشـــه در سطح مالیخولیای افراد دارد و کارخانه تولید نخ ذهنی آنها! و به همین واســـطه آمار خودکشی‌ها مبتنی بر « بی وفا، دیگه دوستم نداری « افزایش پیدا کرده. غافل از اینکه آن طفل معصوم صندلی اش مشـــکل داشته که کج نشســـته و در کل چشمهایش آستیگمات است، به فرد «نخولیا » عاشقانه نگاه نمی کرده!

انواع مسافرت نوروزی

کافی اســـت کمی بوی عید به مشام برسد تا فکر مســـافرت به سر آدم بزند. اما خب همۀ ما به این موضوع واقفیم که این حال و هوای مســـافرت نسبت مستقیم با محتوای جیب دارد. اگر محتوای جیب شامل بسته تراول باشـــد مسافرتها با هواپیما و تورهاست، اگر این محتوا به اسکناس تقلیل پیدا کند مسافرت با اتوبوس گزینۀمناســـب است و اگر شـــپش معلق می‌زند، تنها گزینه نشستن در خانه و دیدن فیلم " اژدها وارد می شود " برای بار هزارم است. این گزینه مزیتی که دارد این است که به واسطۀ تلاشهای پی در پی صدا و سیما شما به مرحله ای رسیده اید که می توانید دیالوگ‌های مرحوم بروسلی را خیلی رساتر و واضح‌تر از خودش بازگو کنید! مخصوصاً آن " گودااا " ی بعد از هر ضربه را.

در مســـافرت با هواپیما مواردی که باید رعایت کنید زیاد نیســـتند، چون مسافرت کوتاه و خیلی شیک و مجلسی است! فقط باید حواستان باشـــد حتما از خودتان سلفی بگیرید و در شبکه‌های مجازی کنار متن یکی از شـــعرای نامدار بگذارید و مثلا بگویید " پرواز را به خاطر بسپار، پرنده مردنی ست ". من هم به شما شـــعر " یه هواپیما دارم قل قلیه، نمی دونی تا کجا میره " رو پیشنهاد می‌کنم. به همین راحتی سفر شما با هواپیما به پایان می رسد و برای شما نوروز خوشی آرزومندیم.

در مســـافرت با اتوبوس مواردی که باید رعایت کنید اول از همه شـــامل یک موضوع مهم می شود که آنرا تراژدی " فیلم اتوبوســـی " نامگذاری می کنـــم. کلاً اگر فیلمهای سینمایی را به سه دسته تقسیم می‌کند، دور ریزهای این سه دسته، فیلم‌های اتوبوســـی را شـــکل می دهد. این فیلمها از هیچ منطقی پیروی نمی‌کنند و بازیگرهایشان از آن دسته از بازیگرها هستند که تلفن زنگ میخورد، گوشی را برمی‌دارند و با حالتی که انگار ناخن به دیوار می کشند، خیلی تصنعی می گویند " جدی؟ مادر مرد؟ " وشما آنجا دلتان به حال مادر بازیگر می‌سوزد که چه فرزند بی استعدادی پرورش داده است.

مقوله بعدی در مسافرتهای اتوبوســـی غذاهای بین راهی است که کیفیت عجیب و غریبی دارند.مثلاً مرغ می‌خوری، طعم لونه مرغ می دهد و طعمش به گونه ای اســـت که حاضرم شرط ببندم مرغش به مرگ طبیعی ذبح نشده است! زهر هلاهل به خوردش داده اند!

حالا بعد از این غذا خوردن مقولۀ دستشویی‌های بین راهی است که حالا بگذریم از بحثش! ولی اینکه پولی هستند خیلی ماجرا را جالب می کندو مخصوصاً وقتی آن کســـی که پولش را می گیرد، اصرار می‌کند که " قابل نداره، مهمون ما باشید! "

نوع بعدی از مســـافرتهای نوروزی هم به راحتی به وسیله فتوشاپ، ارزان قیمـــت و به صرفه می تواند در اختیار قرار بگیرد که می تواند به راحتی شـــما را از کنار برج ایفل و مجسمه‌های بودا تا لب دریای شمال خودمان جابجا کند!

اگر هم با توجه به اینکه سرتان شلوغ است و کار دارید، به شما ماندن در خانه را توصیه می‌کنم تا بتوانید با وقت بیشـــتری از مهمانهای نوروزی استقبال کنید!

یک پیشنهاد نوروزی:

اگـــر مقصد ســـفرتان بروجرد است حواستان باشد که یکهو از بیرجند ســـر در نیاورید چرا که بجنورد هم همان حوالی اســـت! حالا اگر شانس بیاوریـــد و بروجن را رد کرده باشید.

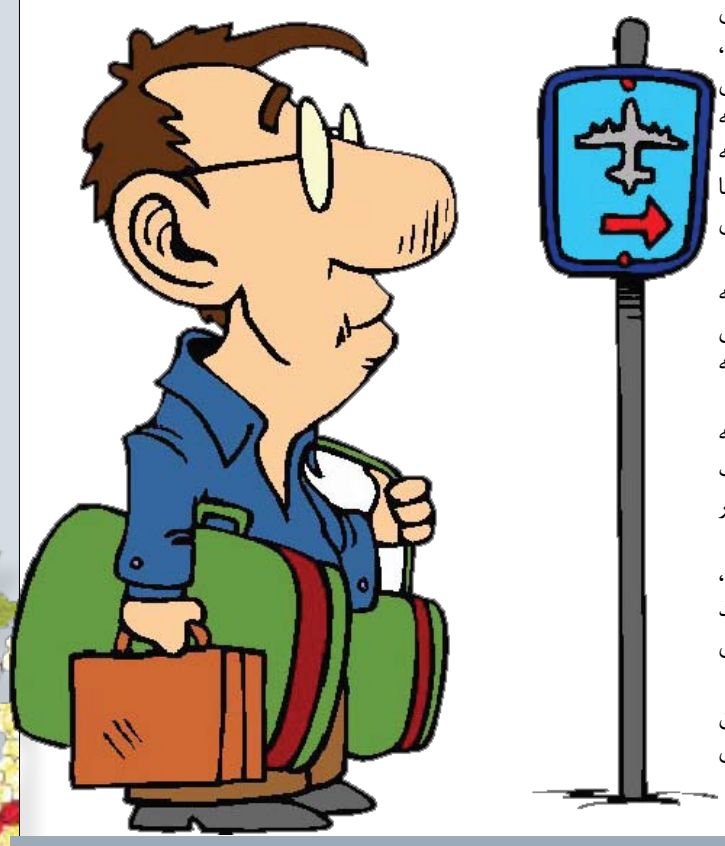

معجزه‌ی گل

یاران! نزول معجزه‌ی گل مبارک است
در این بهار، شورش بلبل مبارک است
در باغ گل، زیارت سوسن تبرک است
در صحن گل، تلاوت سنبل، مبارک است
بر غنچه‌ای که در به بهاران گشوده است
آزادی از حصار تغافل، مبارک است
در این بهار، سمت شکفتن سفر کنید
گلگشت باغ، در سفر گل مبارک است

رضا اسماعیلی

ناگهان
شیشه های خانه بی غبار شد
آسمان نفس کشید
دشت بی قرار شد
بهار شد!

سعید بیابانکی

نوروز ۹۶
شماره ۲۲۴۱
جوانان امروز